

دوفصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»

دوره جدید، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۱۵۹-۱۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۳/۳۱

بررسی رابطه بین همگرایی اقوام (ترک و کرد) و احساس امنیت پایدار و شناخت عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی

شفیع بهرامیان*

امید بهرامیان**

چکیده

با توجه به موقعیت ژئوپولیتیکی استان آذربایجان غربی و تکثر قومی و فرهنگی آن، بررسی عوامل مؤثر بر تقویت ارتباط سازنده بین اقوام ساکن و همگرایی آنها و همچنین تأثیر این همگرایی بر میزان امنیت پایدار، مسئله این پژوهش بوده است؛ لذا این تحقیق در پی شناسایی عوامل مؤثر بر همگرایی اقوام و تأثیر آن بر احساس امنیت پایدار در آذربایجان غربی است. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایشی با پرسشنامه کتبی و جامعه آماری آن کل شهرهای دوقومیتی استان آذربایجان غربی و شهر مهاباد است. روش نمونه‌گیری در آن از نوع خوشه‌ای و حجم نمونه ۵۰۰ نفر است. با بررسی اطلاعات به دست آمده در این تحقیق نتایج زیر حاصل شده است:

- همگرایی اقوام بر امنیت پایدار تأثیر مستقیم دارد و بیش از ۲۰٪ از تغییرات آن را تبیین می‌کند و به ترتیب بیشترین تأثیر را بر ابعاد امنیت ملی، امنیت انسانی و در نهایت بعد امنیت جهانی دارد.

- از عوامل بررسی شده که تأثیرشان بر تقویت همگرایی اقوام معنی‌دار بوده است: سن و دخالت بیگانگان در دو بعد میزان استفاده و میزان اعتماد به بسته‌های فرهنگی و خبری رسانه‌های بیگانه، تأثیر معکوسی بر میزان همگرایی اقوام می‌گذارند.

- از عوامل شناسایی شده دیگر که به صورت معنی‌دار بر تقویت همگرایی اقوام تأثیر می‌گذارند، به ترتیب، متغیرهای تأثیر دخالت نخبگان سیاسی، سرمایه فرهنگی، تحصیلات، ملی‌گرایی (ایرانی بودن)، دین‌گرایی، تصور مردم از فضای سیاسی-اداری و سابقه ازدواج برون‌گروهی در نزدیکان، بیشترین تا کمترین تأثیر را بر همگرایی اقوام در آذربایجان غربی دارند.

- تأثیر عوامل زمینه‌ای مانند جنسیت و نوع شغل سرپرست خانوار و همچنین متغیرهای اساسی احساس محرومیت نسبی و گرایش به جهان وطنی، بر تقویت همگرایی اقوام این استان از نظر آماری تأیید نشد.

واژه‌های کلیدی: همگرایی اقوام، امنیت پایدار، قوم آذری و کرد، و ابعاد امنیت پایدار.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات Bshafih@gmail.com

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی Omid200767@yahoo.com

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

در جوامع چند قومیتی یا پلی‌ژنیک، موضوع همزیستی و مفهوم تنوع قومی با وحدت ملی امری حیاتی است. این امر منوط به اتخاذ رهیافتی است که بتواند در عین کثرت در خرده فرهنگ‌های قومی- مذهبی، وحدت در منش ملی را محقق سازد. همگرایی قومی مستلزم قبول دیگری و تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی است؛ این مهم فقط در سایه نوعی تکثرگرایی فرهنگی و اندیشگی میسر خواهد شد که نشئت گرفته از تعدد و تکثری الهی است که با نام جعل (قرارداد) الهی، ملت‌ها و قبایل را به عنوان یکی از آیات و نشانه‌های قدرت بیکران خویش معرفی کرده است^(۱). این، نشانه کرامت ذاتی همه قومیت‌هاست و رنگ و زبان‌های متفاوت نیز به عنوان نشانه‌ای بر پیشانی آفاق و انفس است^(۲). هر نوع تلاشی در راستای محو تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی، از میان برداشتن سنتی از سنن و نوامیس حاکم بر جهان متنوع و متلون جهان آفرینش است^(۳).

استان آذربایجان غربی نیز تکثر قومی، مذهبی و دینی دارد که آن را به پدیده‌ای قابل تأمل و مستعد تحقیق مبدل کرده است؛ این تنوع در ذات خود در جامعه‌ای «مدینه‌النبی‌گونه» هم می‌تواند فرصتی فرهنگی تلقی شود و هم می‌تواند در دیگر سوی، محملی برای تنش، واگرایی و درگیری‌های قومی، مذهبی و دینی باشد و تبدیل به مسئله‌ای شود که برای حل آن و ارائه راهکارهای تئوریک و عمل‌گرایانه، لازم است تدابیر مناسبی اندیشیده شود.

وقوع درگیری‌های قومی و مذهبی در میان اقوام ساکن در منطقه مورد نظر در روزگاران نه چندان دور، شاهد زنده‌ای برای اثبات این مدعاست و اهمیت این پژوهش را صدچندان می‌کند. درگیری‌های فیمابین آذری‌ها و کردها پیش از انقلاب اسلامی و ماجرای *اسماعیل خان شکاک*، سیمتقو (اسلامی، ۱۳۸۵: ۲۰۷) و بعد از آن نیز، خشونت‌های قومی که در شهرستان نقده در بهار سال ۱۳۵۸ رخ داد تا حدودی از وجود مسئله تنش بین قومی در بین دو قومیت کرد و آذری حکایت می‌کند (فرهنگ نام‌آوران معاصر ایران، ۱۳۷۷: ۱۲).

در سی سال اخیر نیز روابط بین قومی در این استان فراز و نشیب‌های فراوانی به خود دیده است. بروز نارضایتی‌ها و بحران‌های قومی در چند دهه اخیر و تداوم و تشدید مطالبات قومی نشان می‌دهد که سیاست‌های قومی در ایران به صورت عام و در منطقه، به طور خاص، کارایی لازم را نداشته و نیاز به بازنگری دارد و ناکارآمدی مذکور عمدتاً از آن روست که مبنای سیاست‌های قومی تاکنون بر اساس امنیت ملی بوده است نه امنیت پایدار؛ به بیان دیگر رویکرد آن معطوف به کنترل مسئله قومی بوده است و نه حل ریشه‌ای آن (پورسعید، ۱۳۸۸: ۳). بنابراین اگر وضعیت موجود با وضعیت آرمانی- پنداره‌ای که همان «همزیستی مسالمت‌آمیز آگاهانه و ارادی»

بین اقوام مختلف است، منطبق نباشد، تبدیل به معضلی خواهد شد که باید در رفع آن کوشید تا اینکه امنیت پایدار اجتماعی در سایه پذیرش فرهنگ تکثرگرایانه به تحقق بپیوندد.

امنیت و ثبات به عنوان شاخصه برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه‌ای، امری است که بدون تأمین و تضمین پایداری آن، امکان جذب و به کارگیری سرمایه‌گذاری‌ها و تأمین منافع ملی را نخواهد داشت. فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه منوط به حصول امنیت و پایداری، ثبات نظام و حاکمیت، تأمین و تضمین حقوق اجتماعی و فردی آحاد جامعه است.

در جامعه ایرانی که موزائیکی از همنشینی و همزیستی اقوام گوناگون در قالب دولت-ملتی واحد و کشوری یکپارچه است، توجه به اقوام و مسائل مربوط به قومیت‌ها به عنوان نقطه قوت و سرمایه ملی مهم بوده و هر تهدیدی پیرامون مسئله قومیت، تهدیدی برای منافع و امنیت ملی به شمار می‌رود.

از طرف دیگر فیلسوفانی که دغدغه تحقق عدالت داشته‌اند، امنیت را شرط ضروری «عدل» دانسته‌اند و کسانی که به رفاه می‌اندیشند، امنیت را عامل اصلی آسایش شمرده‌اند و آنان که بر توسعه سیاسی، اقتصادی و... اصرار دارند، امنیت را مهم‌ترین عامل تلقی کرده‌اند (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). این قرائن خود بر اهمیت وافر همگرایی قومی و در پس آن، پارامتر امنیت و عملیاتی کردن آن در ایران اسلامی صحنه می‌گذارند؛ لذا ضروری است که رابطه علی همگرایی قومی و امنیت پایدار بررسی شود. از سوی دیگر، برای اتخاذ تدابیر و چاره‌اندیشی‌های راهبردی در این باره، باید به شناخت عوامل مؤثر بر همگرایی اقوام در کشور و به ویژه در استان آذربایجان غربی پرداخت.

پیشینه پژوهشی

یکی از مهم‌ترین تحقیقاتی که در زمینه قومیت و امنیت پایدار انجام گرفته، پژوهشی است که حمید/حمدی با عنوان: «بررسی نقش اقوام ایرانی در امنیت پایدار و رابطه بین قومیت و این پدیده در ایران» انجام داده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱-۲۰). این پژوهش به هر دو روی سکه قومیت، یعنی توجه به مسئله قومیت و اقوام ایرانی، هم به عنوان فرصت و هم به عنوان چالش در تأمین امنیت پایدار، عنایت داشته است. پژوهشگر سعی کرده است که راهکارهایی را برای تقویت نقش مثبت اقوام ایرانی در تأمین امنیت ملی و شناخت علل و عوامل تبدیل شدن مسئله اقوام به چالش عرضه کند. پژوهشگر در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای اسنادی استفاده کرده و به این نتیجه رسیده است که حضور اقوام ایرانی به عنوان فرصت و نه چالش در صورتی عملی است که به هر دو صورت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری امنیت، یعنی امنیت پایدار، توجه شود.

پژوهش دیگر، مقاله علی قهرمانی با عنوان: «بررسی تأثیر همگرایی ملی در امنیت پایدار با تأکید بر استان آذربایجان غربی» است (قهرمانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۱۲). این مقاله وضعیت اقوام و مقایسه تأثیرات آن بر امنیت و نحوه اثرگذاری اقوام بر امنیت پایدار را بررسی می‌کند. روش تحقیق این پژوهش نیز کتابخانه‌ای (اسنادی) و راهکار آن به شرح زیر است: در این پژوهش به دو قطبی بودن زمینه‌های تکثر قومی اشاره و توصیه شده که سیستم حکومتی، راهبردهای مناسبی را با توجه به اصل تنوع قومی، اتخاذ کند.

یکی دیگر از تحقیقات انجام شده در این زمینه پژوهش شورش آک با عنوان «بررسی رابطه برنامه‌های صدا و سیما با همگرایی قومی: (مطالعه موردی استان آذربایجان غربی)»، است (آک، ۱۳۸۸: ۱۹۲-۲۰۴) که بر توان رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از عوامل اصلی در زمینه وحدت ملی تأکید می‌کند. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی بوده و با بررسی نمونه‌ای ۸۰۰ نفری، به این نتیجه رسیده که میزان تماشای برنامه‌های صدا و سیما با متغیرهای باورهای دینی مشترک - هویت ملی اقوام - همزیستی مسالمت‌آمیز و رشد فرهنگ مشارکت اقوام رابطه مثبتی دارد.

حسن زینال‌نژاد تحقیقی را تحت عنوان «بررسی راه‌های همگرایی قومیتی: (با تأکید بر اقوام کرد و ترک در شهرستان ماکو)» انجام داده است (زینال‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۱-۳۳). روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد و با طیف لیکرت داده‌های لازم را از تعداد ۳۸۲ نفر گردآوری کرده است. نتایج تحلیل داده‌های این تحقیق نشان داد که در شهرستان ماکو ۵ متغیر: ۱. تأکید بر اشتراکات دینی ۲. تأکید بر مواریت فرهنگی و پیشینه تاریخی مشترک ۳. توجه به عمران، آبادی و توسعه مناطق قوم‌نشین و کاهش محرومیت‌ها در آن ۴. توسعه اجتماعی ۵. ارتقای سطح ارتباطات اجتماعی.

فرزاد پورسعید در مقاله «امنیت پایدار و سیاست‌گذاری قومی در ایران» به تشریح مفهوم امنیت پایدار به صورت مفصل و علمی و نیز شناسایی فرایندها و مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی معطوف به امنیت پایدار می‌پردازد (پورسعید، ۱۳۸۸: ۲۰۵-۲۲۷). برای این منظور مفهوم امنیت پایدار را در سه بعد مفهومی توضیح داده است: امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی. سپس اقتضات آنها را در جوامع قومی ایران به بحث گذاشته است. پژوهشگر برای دستیابی به اطلاعات از روش اسنادی استفاده کرده و به این نتیجه رسیده که متناظر با ابعاد امنیت پایدار، سه فرایند ملت‌سازی، توسعه و جهانی شدن و متناظر با این فرایندها سه مؤلفه سطح قومیت در جوامع قومی، سطح تعادل منطقه و سطح تنوع فرهنگی در سیاست‌گذاری قومی معطوف به امنیت پایدار مؤثرند.

در پژوهش توصیفی- تحلیلی و کتابخانه‌ای رسول *افضلی* و *برزین ضرغامی* با هدف تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران انجام داده‌اند (افضلی و ضرغامی، ۱۳۸۸: ۷۷-۹۰)، مشخص شده که با وجود فرض عموم، تعدد قومیتی در ایران، بالقوه منشأ تهدید و تزلزل انسجام ملی و همگرایی ملی نیست؛ زیرا تعدد قومیتی در ایران نه تنها تضعیف کننده امنیت ملی نبوده بلکه با تکیه بر عناصر پایدار همگرایی قومی، قوام‌بخش و تداوم‌دهنده هویت ملی ایرانی است.

تحقیقی نیز با عنوان: «بررسی میزان و رابطه امنیت اجتماعی و همگرایی قومیت‌های آذری و کرد در شهر ارومیه» به دست *علی خادمی* و همکارانش انجام گرفته است (خادمی، ۱۳۸۸: ۳۴-۴۵). این پژوهشگران با بررسی پیمایشی ۴۵۰ نفر به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش احساس همگرایی بر میزان احساس امنیت اجتماعی افزوده می‌شود.

همچنین در تحقیقات دیگری به صورت پراکنده به عوامل و متغیرهای مؤثر بر همگرایی و واگرایی اقوام اشاره شده است (امراه‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۶-۶۱؛ جلیوند، ۱۳۸۸: ۲۷۵-۲۹۷)؛ این متغیرها عبارت‌اند از: احوال شخصی از جمله سن و جنس و تحصیلات (سرمایه فرهنگی) و نوع اشتغال و نیز عواملی مثل تأثیر دو پهلوی نخبگان سیاسی، نقش و تأثیر رسانه، احساس وجود تبعیض، محرومیت و تحقیر، و همچنین عوامل برون‌مرزی مانند تحولات قومی کشورهای همجوار و نیز عوامل اجتماعی از قبیل زوال تدریجی ساختار سنتی و قبیله‌ای.

پیشینه نظری

برای بررسی علمی رابطه بین همگرایی اقوام و امنیت پایدار و نیز شناخت عوامل مؤثر بر همگرایی اقوام، سعی شده- با توجه به حدود مسئله و زمینه‌های سیاسی- فرهنگی و اجتماعی در چارچوب ادبیات تحقیق- به بررسی و شرح مکاتب فکری و نظریه‌ها پرداخته شود. برای انتخاب و گزارش نظریه‌های حوزه روابط بین قومی و امنیت پایدار، دو معیار روش‌شناختی مدنظر قرار گرفته است: ۱. واحد تحلیل نظریه قرابت ماهیتی با واحد تحلیل مسئله داشته باشد ۲. شرط وقوع: یعنی مصادیق عینی لازم برای کاربرد آن نظریه در محیط پژوهشی مورد نظر فراهم بوده باشد (ودادهی، ۱۳۸۶: ۵۵). براین اساس پیشینه نظری این پژوهش شامل سه بخش خواهد بود: بخش اول به تبیین‌های نظری امنیت پایدار می‌پردازد. در بخش دوم به ارائه نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی در زمینه روابط بین اقوام پرداخته خواهد شد. سپس تئوری‌های سیاسی- اجتماعی مرتبط با واگرایی و هم‌گرایی اقوام بیان خواهد شد.

الف) امنیت پایدار

امنیت، اصطلاحی است مبنی بر فقدان تهدید بر ارزش‌های نادر (علی‌بابایی، ۱۳۸۳: ۳۱). وضعیتی است که در آن از ارزش‌هایی که از دید تصمیم‌سازان برای بقا و بهتر زیستن جامعه، حیاتی است حمایت می‌شود (روی، ۱۳۸۲: ۲۶) و مفهوم امنیت پایدار دلالت بر پدیده تازه‌ای دارد که در سال‌های اخیر مطرح شده است که ناظر بر درک جامعه از امنیت است که به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌کند (نصیری، ۱۳۸۴: ۸۲).

رهیافت کنونی در باب امنیت ملی، روابط بین قومی و امنیت جهانی، به ویژه در انگاره دولت‌ها، عموماً تحت سیطره پارادایم کنترل قرار دارد؛ با این تدبیر که ناامنی را می‌توان چه در سطح خرد، میانه (روابط بین قومی) و چه در سطح کلان (بین‌المللی) از طریق نیروی قهریه یا سیاست توازن قوا و یا مهار، کنترل و وضع موجود را حفظ کرد. چنان‌که گروه تحقیق آکسفورد استدلال می‌کند این رهیافت، سیاست‌مداران را از راه‌حل‌های پایدار برای رویارویی با تهدیدات نوین در قرن بیست و یک منحرف کرده و نوعی چرخه معیوب امنیت و ناامنی را به وجود آورده است و این وضعیت موجب تقویت پارادایم کنترل می‌شود.

امنیت پایدار در واقع رهیافتی است که در مطالعات نوین امنیتی به عنوان جایگزین پارادایم کنترل مطرح می‌شود. اصل مفهوم امنیت پایدار به این امر اشاره دارد که نمی‌توان همه پیامدهای ناامنی را به گونه‌ای موفقیت‌آمیز کنترل کرد؛ بلکه باید به رفع علل آن پرداخت و رویکرد حل مسئله را جایگزین کنترل کرد (راجرز، ۱۳۸۴: ۶۷). بر این اساس امنیت پایدار بر نیاز دنیای جدید برای تغییر بنیادین نگرش کنونی نسبت به امنیت تأکید می‌کند، مفهومی که جهانی شدن امنیت را شامل می‌شود و بر مبنای ویژگی مشترک مردم دنیا یعنی انسانیت بنا می‌شود. بنابراین امنیت پایدار ترکیبی از سه رهیافت است: ۱. امنیت ملی یا امنیت دولت‌های ملی ۲. امنیت انسانی یا زندگی بهتر برای مردم ۳. امنیت جهانی یا منافع مشترک همه مردم کره خاکی (پورسعید، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

بر اساس برخی نظریات امنیت پایدار، ایجاد هماهنگی و همگرایی بین گونه‌های قومی و نژادی و احترام به حقوق شهروندی و برابری همگانی، از مؤلفه‌های مهم برقراری امنیت باثبات‌اند (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۹). برخی دیگر از نظریات امنیت پایدار، همان‌طور که دیوید چاندر^۱ بیان می‌کند به پیچیدگی و وابستگی دولت‌ها و نقش سازمان‌های غیردولتی در دوره بعد از جنگ سرد اشاره دارند؛ آنها در این رویکرد به گزاره‌های تثبیت امنیت در سطح فراملی، نقش و نوع

رابطه دولت‌های قدرتمند و ناکام، پیامدهای گسترده و فراگیر تصمیم‌گیری‌های سیاست‌مداران و فقدان چارچوب‌های سیاست‌گذاری مشخص در عصر کنونی اشاره دارند (چاندلر، ۲۰۰۷: ۳۶۴-۳۶۵).

گزاره‌های تأکید شده از جانب نظریه‌پردازان امنیت پایدار و همچنین، اندک اندیشمندانی که پیرامون امنیت ملی پایدار بحث نموده‌اند همچون نایف رودهان، کولین اس‌گری و ...، بیشتر مربوط به بقا و پایداری در سطح کلان و فراملی است و کمتر به مباحث نظری در سطح خرد و میانی در این زمینه پرداخته است (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۴۱) که این فقر نظری متأثر از نوپا بودن این پارادایم فکری است.

به‌طور خلاصه، امنیت پایدار می‌تواند توانمندی جوامع را برای دفاع از خود در برابر تهدیدات متوجه دولت ملی، بالا برده، ناامنی عمیق انسانی را در سراسر جهان کاهش دهد و تهدیدات بلندمدتی را که متوجه امنیت جهانی است، مدیریت کند. به این معنا امنیت پایدار تلفیقی از سه مفهوم امنیت ملی، امنیت انسانی و امنیت جهانی است و بر آن است تا امنیت دولت‌ها را حفظ کند بدون آنکه امنیت مردم را به خطر انداخته و تهدیدات متوجه امنیت جهانی (همچون خشونت‌های ملی، قومی و نژادی، ایدز، تهدیدات زیست‌محیطی، تروریسم و جنایات سازمان‌یافته) را تشدید کند. با توجه به اینکه واحد مشاهده و تحلیل در این پژوهش در سطح فردی بوده است؛ لذا در واقع متغیر امنیت پایدار به صورت سازه نگرش افراد نسبت به امنیت پایدار و ابعاد و سنجه‌های آن (احساس امنیت پایدار) اندازه‌گیری شده است؛ توضیح بیشتر در بخش سنجش متغیرها ارائه شده است.

ب) تئوری‌های روان‌شناسی اجتماعی روابط بین قومی

رهیافت‌های روان‌شناسان اجتماعی در زمینه همگرایی و تضاد قومی در مجموع مشتمل بر سه نظریه بحران هویت، پیش‌داوری و یا تعصب، و محرومیت نسبی است که بیشتر توجه خود را بر تبیین پدیده واگرایی و تضاد بین قومی متمرکز کرده و در نهایت به معرفی عواملی می‌پردازند که باعث افزایش همگرایی بین اقوام می‌شود:

بحران هویت: بحران هویت، الگوی اصلی تحلیل روان‌شناختی واگرایی اجتماعی مدل روح جمعی گوستاو لوبن است. او معتقد است در حرکت جمعی، هویت فردی در هویت جمعی توده‌وار ذوب می‌شود و هویت جدید و روح نوینی با عنوان «روح جمعی» پدید می‌آید که اگر حرکت جمعی، برخاسته از شکاف‌هایی باشد که قدرت بسیج بالایی دارند، واگرایی و تضاد قومی تبدیل به خشونت می‌شود (ایوبی، ۱۳۷۷: ۳۳) این نظریه می‌گوید بحران هویت می‌تواند تبیین‌کننده حرکات قومی باشد، ولی تمسک به تاریخ جمعی، زبان، فرهنگ و گذشته مشترک می‌تواند نوعی پیوند و همبستگی جمعی را پدید آورد که در مقابل دیگر اجتماعات، هویتی مستقل می‌پذیرد (همان: ۳۴).

نمادپردازان قومی نیز معتقدند، تاریخ قومی ذهنی همان گونه که هویت ما را شکل می‌دهد به تعیین اهداف و سرنوشت جمعی ما نیز کمک می‌کند؛ مثلاً/اسمیت معتقد است، ریشه تضادهای قومی در نیاز به ایجاد جوامع قومی برای کسب هویت جمعی و همبستگی ملی نهفته است (اسمیت، ۱۹۸۶: ۱۲۷). تئوری بحران هویت، ما را به این نتیجه می‌رساند که واگرایی و تضاد قومی، محصول شکاف هویتی مرکز و پیرامون است؛ بر این اساس اگر این شکاف طوری باشد که پیوند با دولت و یا قوم دیگر که احیاناً در اکثریت هستند با پیوندهای قومی در تعارض قرار گیرد، در چنین وضعیتی جنبش‌های قومی شکل گرفته و واگرایی بین قومی رخ می‌دهد.

تعصب و پیش‌داوری: در طول تاریخ، تعصب و پیش‌داوری، همیشه همگرایی قومی را به چالش کشیده است. تمایز و تفاوت گروه‌ها در سطح جامعه، هسته اصلی پدیده «پیش‌داوری» و «حکم پیش‌ساخته منفی» است (برگ، ۱۹۷۸: ۵۶۹). تصورات ثابت و قالب‌های فکری و پیش‌داوری، اغلب ناظر بر تعمیم‌های ناروا نسبت به افراد، گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی است که غیرخودی محسوب می‌شوند و شیوه‌های رفتار خودی را نسبت به غیرخودی شکل می‌دهند (مقصودی، ۱۳۷۹: ۲۰۸) رابرتسون^۱ در تعریف تعصب می‌گوید: «به طور کلی تعصب عبارت است از گرایش غیرمنطقی و غیرقابل انعطاف نسبت به یک دسته از مردم، جنبه واقعی تعصب این است که همواره ریشه در تعمیم‌ها دارد و لذا تفاوت‌های افراد را نادیده می‌شمارد» (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۲۵۴). اصولاً پیش‌داوری و تعصب هم عامل زمینه‌ساز برای بروز واگرایی قومی و هم توجیه کننده روابط نابرابر و تبعیض آمیز آنهاست. برخی از روان‌شناسان اجتماعی این نگرش‌های نادرست را به منزله ابزاری برای توجیه ظلم و ستم و استمرار روابط سلطه‌گرانه دانسته‌اند.

محرومیت نسبی: از نظر *الیوت ارونسون*^۲ محرومیت نسبی که از مقایسه وضع خود با دیگران حاصل می‌شود از جمله ناکامی‌هایی است که می‌تواند موجب بروز تضاد و جنبش‌های قومی گردد (ارونسون، ۱۳۷۰: ۷۵). رابرت گر^۳ می‌گوید نابرابری‌ها و شکاف عمیق میان گروه‌های مختلف قومی در یک جامعه باعث ایجاد و افزایش تضاد میان آنها می‌شود (گر، ۱۳۷۷: ۱۶). این رهیافت از جمله رهیافت‌هایی است که در زمینه علوم اجتماعی، رشد فراوانی داشته و تشریح مفصل‌تر آن در تئوری‌های سیاسی- اجتماعی گزارش شده است.

ج) تئوری‌های سیاسی- اجتماعی روابط بین قومی

یکی از تئوری‌های مهم در این زمینه، اندیشه «جهان وطن‌گرایی» است که ادعا می‌کند افراد با گرایش به این طرز تلقی از حیاط اجتماعی‌شان، می‌توانند خصومت‌های بین قومی را پشت سر

1. Rabertson
2. Eliot Aronson
3. Ted Robert Gurr

گذاشته و با تمرکز بر انسان‌گرایی به تعادل بین قومی برسند (برتون، ۱۳۸۰: ۱۶۷).

نظریه دیگری که در تدوین فرضیات تحقیق از آن استفاده شده «نظریه محرومیت نسبی برون‌زا» است (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۹). محرومیت نسبی بر دو نوع است: ۱. محرومیت درون‌زا: محرومیتی است که ناشی از ضعف و ناتوانی خود فرد یا گروه باشد. ۲. محرومیت برون‌زا: محرومیتی است که ناشی از عملکرد و سازوکارهای خارجی و فارغ از ویژگی‌های فرد و یا گروه باشد. این نظریه به صورت یک بعدی، علت واگرایی و کاهش همگرایی قومی را احساس محرومیت نسبی ناشی از ضعف عوامل بیرونی و ساختاری از جمله ضعف نهادهای سیاسی و اقتصادی دولتی و ... در قبال افراد قوم مورد نظر می‌داند. به عبارت دیگر احساس محرومیت برون‌زا باعث عدم‌گرایش به همگرایی بین اقوام و افزایش تنش بین آنها می‌شود. بسیاری از نظریات مطرح شده از جمله نظریه‌های هشتر و گوبگلو و نظریه «محرومیت نسبی و نسبت دادن» رانی مان و هوند ریش، (همان: ۲۵) به صورت آشکار و یا ضمنی، علت نبود همگرایی اقوام را در تبعیض‌های ساختار سیاسی- اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بین اقوام مختلف می‌دانند که همپوشی بسیاری با نظریه محرومیت نسبی دارند.

نظریه «سرمایه فرهنگی» بوردیو نیز به عنوان یکی دیگر از منابع فکری مرتبط با تبیین همگرایی بین اقوام مطرح است؛ زیرا از نظر بوردیو، از جمله مسائلی که تحت تأثیر میزان‌های سرمایه فرهنگی قرار می‌گیرد، کاهش تعصبات قومی و عارضی است؛ به این دلیل که با افزایش سرمایه فرهنگی بر میدان‌های مشترک بین فردی افزوده می‌شود، تفاوت‌های فردی و قومی رنگ می‌بازد، تفکر و کنش عقلانی جایگزین کنش سنتی و حساب نشده می‌شود و به کاهش خصومت‌های قومی و افزایش همگرایی آنها می‌انجامد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۳۶-۳۳۷).

یکی از نظریات سیاسی بررسی شده، نظریه «عوامل ذهنی- عینی» راتچایلد و شابفلین بوده است. به طور کلی بر اساس نظریه فوق، هر قدر احساس هویت جامعه ملی، در زندگی جامعه ملی که بخشی از آن است، کمتر باشد سازمان سیاسی قومی، قوی‌تر و هر قدر سازمان سیاسی قومی قوی‌تر، ناسیونالیسم قومی نیرومندتر و هر قدر ناسیونالیسم قومی شدیدتر باشد، به تعصبات قومی و خاص‌گرایی افزوده می‌شود و میزان‌گرایش به همگرایی اقوام کاهش می‌یابد (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۳)؛ بنابراین در این نظریه، ملی‌گرایی عامل اصلی همگرایی اقوام است.

همچنین رویکرد مبتنی بر اصل شهروندی (گرتز، ۱۹۶۳: ۱۵-۵۸) با توجه به ادعای آن در مورد تأثیر‌گرایش به قانون‌گرایی بر کاهش خصومت‌های قومی و افزایش تبادلات فرهنگی و همگرایی اقوام، می‌تواند تبیین‌کننده مسئله همگرایی اقوام باشد.

نظریه دیگری که همگرایی اقوام را ناشی از عوامل ساختاری و مدیریتی می‌داند، نظریه سیاسی/ایسمن است (صالحی، ۱۳۸۶: ۳۵). این رهیافت می‌گوید: بروکراسی سیاسی-اجتماعی و اداری تنظیم شده از سوی دولتمردان اگر به همه گروه‌های قومی اقلیت، اجازه تحرک عمودی در عرصه سیاسی-اداری و شرکت در مناسبات اداری و سیاسی در سطح مدیریت کشوری را بدهد، گرایش به قوم‌مداری و خاص‌گرایی کاهش یافته و به میزان همگرایی اقوام افزوده می‌شود.

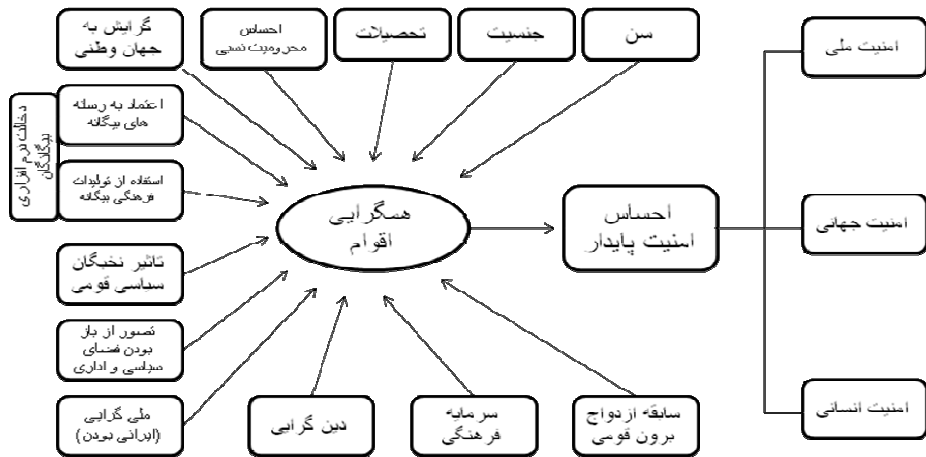
در چارچوب نظریات بومی منتشر شده درباره تعامل بین قومی و همگرایی آنها به دو نظریه حمید/حمیدی (۱۳۸۳) و یوسف ترابی (۱۳۸۹: ۱۶-۱۹) توجه کرده‌اند. این نظریه‌ها با توجه به میدان‌های مشترک محیطی به عنوان منابع اطلاعاتی مورد نیاز برای تبیین روابط بین قومی، قضایای مشترک زیادی با هم دارند. در یک نگاه جامع‌تر هر دو نظریه به دو علت اساسی به عدم همگرایی اقوام و افزایش تضاد قومی اشاره دارند که بخشی از آن حتی در نظریه‌های غیر بومی، مثل نظریه آصفا (صالحی، ۱۳۸۶: ۴۴) نیز آمده است.

حمیدی در قالب یک نظریه جامع، علت نبود همگرایی اقوام را ناشی از تأثیر نخبگان سیاسی، دخالت فرهنگی و سیاسی بیگانگان و ایجاد دولت مدرن طی سده‌های اخیر می‌داند. ترابی نیز به تأثیر نخبگان سیاسی و دخالت فرهنگی قدرت‌های خارجی در قالب عوامل فراملی مؤثر بر همگرایی اقوام اشاره دارد. همچنین در آخرین نظرات حمیدی درباره همگرایی به مفهومی به نام «شهروند ملی‌گرا» برمی‌خوریم که آن را نقشه راه تعامل صلح‌طلبانه میان گروه‌های زبانی معرفی می‌کند.

با توجه به اشتراک نظر نظریه‌پردازان بومی و قرابت منطقی بیشتر این نظریه‌ها با اوضاع خاص تاریخی اقوام جامعه ایرانی، می‌توان با استفاده از این نظریه‌های تنظیم شده در داخل کشور بسیاری از مسائل داخلی را تبیین دقیق علمی کرد.

البته از یاد نبریم که هر کدام از رویکردهای یاد شده صرفاً قادر به تبیین برخی از زوایای پدیده همگرایی و واگرایی قومی هستند و هیچ‌کدام به خودی خود نمی‌توانند تصویری بی‌نقص از پویایی این موضوع عرضه کنند.

مطالعه حاضر با اتکا به یک چارچوب نظری ترکیبی و برگرفته از دیدگاه‌های نظری پیش‌گفته بر جنبه‌ای از جوانب متکثر همگرایی و واگرایی قومی و تأثیر آن بر امنیت پایدار، متمرکز شده و دستیابی به مدلی که ما را به سوی گزاره‌های عام تکرار شونده- درباره پویایی‌های قومی- رهنمون کند، جز با ترکیب مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار برگرفته از همه رویکردهای ذکر شده، میسر نیست. بنابراین با هدف وضوح بیشتر چارچوب نظری استفاده شده در این پژوهش، مدل نظری اولیه عرضه می‌شود.



نمودار ۱. مدل تحلیلی

فرضیات تحقیق

این پژوهش به دلایلی از جمله: گستردگی دامنه موضوعی، جامعیت نظری و تجربی، و تلاش برای کسب نتایجی با قدرت تبیین بالا، فرضیه‌های متعددی دارد که به اختصار عبارت‌اند از:

- بررسی رابطه بین همگرایی اقوام و احساس امنیت پایدار؛
- بررسی رابطه همگرایی اقوام با هر یک از ابعاد امنیت پایدار (امنیت انسانی، امنیت جهانی، امنیت ملی)؛

- بررسی تأثیر عوامل زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات) بر همگرایی اقوام؛
- بررسی تأثیر عوامل سیاسی- اجتماعی و فرهنگی (سابقه ازدواج خویشان و دوستان یا شهروندان با افراد قوم دیگر، میزان استفاده شهروندان از تولیدات فرهنگی و خبری رسانه‌های خارجی و میزان اعتماد به آنها (دخالت نرم‌افزاری بیگانگان)، میزان سرمایه فرهنگی، محرومیت نسبی، میزان گرایش به قانون‌مندی، میزان گرایش به ملی‌گرایی (ایرانی بودن)، دین‌گرایی، احساس جهان‌وطنی، میزان تأثیر نخبگان قومی بر شهروندان، تصور شهروندان نسبت به میزان باز بودن فضای مشارکت سیاسی- اداری) بر همگرایی اقوام.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی مقطعی است که با استفاده از پرسش‌نامه کتبی، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است. در این پرسش‌نامه، سؤالات مربوط به اطلاعات زمینه‌ای با فرمت باز و دو ارزشی و یا چند موردی و نیز متغیر همگرایی اقوام با استفاده از طیف بوگاردوس

استاندارد شده و متغیرهای مستقل نیز با استفاده از طیف لیکرت ساخته شده توسط پژوهشگر، اندازه‌گیری شده است.

با توجه به پیش‌آزمون وسیله‌اندازه‌گیری و اصلاح چند مرحله‌ای آن، میزان روایی (اعتبار) و پایایی (قابلیت اعتماد) پرسش‌نامه مطلوب بوده است. در این پژوهش، واحد تحلیل و واحد مشاهده فرد بوده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۷۳ نفر بوده است که برای اطمینان بیشتر به ۵۰۰ نفر افزایش پیدا کرد و انتخاب نمونه با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم نمونه (PPS) - با توجه به جمعیت شهرها و سهم هر قوم ساکن در شهرها - در همه شهرهای دو قومیتی استان آذربایجان غربی (ارومیه، نقده، ماکو، تکاب، شاهیندژ، سلماس) و شهر مهاباد صورت گرفته است. در مجموع ۲۵۰ نفر از نمونه‌های انتخاب شده گرد و ۲۵۰ نفر نیز آذری زبان بوده‌اند. اطلاعات جمع‌آوری شده، نیز به شیوه تحلیل آماری و با استفاده از نرم‌افزار آماری $spss^{16}$ تحلیل شده است.

شیوه سنجش متغیرها

در این بخش تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش مطرح شده است:

احساس امنیت پایدار: با توجه به واحد تحلیل، امنیت پایدار را می‌توان به دو شیوه متفاوت اندازه‌گیری کرد: زمانی که واحد تحلیل «کشور» باشد می‌توان امنیت پایدار را مستقیماً به وسیله اندازه‌گیری شاخص‌های آن در سطح جهان ارزیابی کرد؛ اما چنان‌که قبلاً اشاره شد واحد مشاهده و همچنین واحد تحلیل در این پژوهش «فرد» بوده است؛ لذا باید در سطح خرد به مفهوم امنیت نگریست و آن را سنجید.

بنابراین زمانی که شاخص‌های امنیت پایدار از نگاه افراد ارزیابی می‌گردد آنچه سنجیده می‌شود احساس و نگرش جامعه آماری نسبت به مفهوم امنیت پایدار است. این متغیر سنجیده شده در واقع بعد ذهنی امنیت پایدار است که ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی آن بوده و فقط به شاخص‌های امنیت، قابل تقلیل نیست (رضایی، ۱۳۸۱: ۵).

از دید جامعه‌شناختی احساس امنیت و امنیت پایدار یک تولید اجتماعی است؛ یعنی همه نهاد‌های اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند (همان). این احساس ناشی از تجربه‌های مختلف مستقیم و غیرمستقیم افراد گوناگون است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵). بر این اساس همان‌طور که اشاره شد مفهوم امنیت پایدار سه بعد دارد:

۱. **امنیت ملی:** برای اندازه‌گیری این بعد از امنیت پایدار از سنجه‌های ثبات سیاسی، حفظ تمامیت ارضی، امنیت اجتماعی، حفاظت از استقلال و حاکمیت، امنیت اقتصادی و امنیت و آزادی فعالیت سیاسی استفاده شده است.

۲. **امنیت انسانی:** برای اندازه‌گیری این بعد، از سنجه‌های رفع فقر و گرسنگی، خشونت خانوادگی، فساد و فحشا، تبعیض، تقویت هویت فردی، بهداشت، و امنیت از جنایات و بزهکاری‌ها، استفاده شده است.

۳. **امنیت جهانی:** برای اندازه‌گیری این بعد از مفهوم امنیت پایدار از مؤلفه‌های امنیت جهانی از جمله مقوله تروریسم، آلودگی هوا و گرم شدن زمین، انفجار جمعیت، کمبود آب، مواد مخدر، جنگ، مافیا و قاچاق انسان و بهداشت و سلامت جهانی استفاده شده است.

شاخصی که به وسیله مجموع این سنجه‌ها اندازه‌گیری شده، همان بعد ذهنی امنیت پایدار و یا احساس امنیت پایدار است که از دید شهروندان سنجیده شده است.

همگرایی اقوام: به معنی میزان گرایش، دوستی، همکاری و تعامل صلح‌طلبانه داوطلبانه بین دو یا چند قوم است. برای اندازه‌گیری این مفهوم، از طیف بوگاردوس (فاصله اجتماعی) استفاده شده که نوع ایرانی آن قبلاً ساخته شده است (رفیع‌پور، ۱۳۶۰: ۲۱۹). این طیف بر اساس موقعیت فرهنگی-اجتماعی شمال غرب کشور، بومی شده و به وسیله ۵ سنجه انباشتی ازدواج و روابط سببی، روابط خانوادگی و دوستی، همسایه بودن، همشهری بودن و هم‌کشور بودن سنجش شده است.

دخالت نرم کشورهای بیگانه: در عصر ارتباطات، دخالت نرم (سیاسی، فرهنگی و اجتماعی)، جایگزین دخالت‌های سخت‌افزاری شده است. دخالت نرم عمدتاً به وسیله رسانه صورت می‌پذیرد؛ لذا در این تحقیق دخالت بیگانگان دوباره مفهوم‌سازی شده و برای آن دو فرضیه تهیه شد: در فرضیه اول میزان استفاده پاسخگویان از محصولات فرهنگی خارجی (تولیدات رسانه‌ای) و تأثیر آن بر همگرایی بررسی می‌شود. از طرف دیگر با توجه به این عقیده که دیدن و شنیدن هر چیزی به معنای درونی شدن آن نیست، در جریان مفهوم‌سازی این متغیر، در قالب فرضیه دوم، میزان اعتماد پاسخگویان به این تولیدات سیاسی- فرهنگی خارجی و تأثیر آن بر میزان همگرایی قومی، آزمون خواهد شد.

سرمایه فرهنگی: این نوع از سرمایه عبارت است از میزان اطلاعات و آگاهی‌های عمومی و علمی، سطح سواد و درجات علمی، میزان دسترسی و استفاده از منابع آگاهی‌بخش. برای

عملیاتی کردن این مفهوم در پرسش‌نامه از سنجه‌هایی از قبیل: میزان استفاده از منابع و امکانات آگاهی‌بخش و محصولات صوتی و تصویری، روزنامه و مجلات، کتاب و مقالات، اینترنت، نشست‌ها و انجمن‌های مختلف، و سطح مطالعه و آگاهی نزدیکان استفاده شده است.

محرومیت نسبی: در این پژوهش، احساس محرومیت نسبی برون‌زا مدنظر بوده و آن عبارت است از احساس محرومیتی که از مقایسه فرد با اقوام دیگر به دست می‌آید، احساسی که ناشی از عملکرد و سازوکارهای خارجی و فارغ از ویژگی‌های فرد و یا گروه باشد. در تعریف عملیاتی آن، از سنجه‌های احساس محرومیت از لحاظ امکانات رفاهی، آموزشی و پرورشی، بهداشت و سلامت، زمینه‌های اقتصادی، کار و اشتغال، و میزان توجه و احترام به فرهنگ و آداب و رسوم استفاده شده است.

قانون‌مندی: قانون‌مندی به معنی رعایت بی‌قید و شرط اصول و قواعد مکتوب و منتشر شده در کشور است که از سوی قوه مقننه، شوراها و مجالس مربوطه صادر می‌شود. برای اندازه گرفتن این مفهوم انتزاعی، از سه سنجه مرتبط استفاده شده که عبارت‌اند از: بی‌زاری از قانون‌شکن، منتفع بودن قانون‌گرایی و رعایت همه جانبه قوانین و اهمیت آن.

ملی‌گرایی (ایرانی بودن): ملی‌گرایی به معنی‌گرایی به تقویت هویت ملی در برابر هویت‌های جمعی دیگر است. به عبارت دیگر گرایش به هویت ملی ایرانی بودن به معنی برتری تعصب ملی بر دیگر مسائل ممیز کننده اجتماعات است. ذکر ایرانی بودن نیز به این دلیل است که شهروندانی وجود دارند که قومیت خود را به عنوان یک ملت معرفی می‌کنند و به زعم آنان، ملی‌گرایی همان‌گرایش به قوم خویش است. سنجه‌های این متغیر عبارت‌اند از: علاقه قلبی به ایران، دفاع از میهن در هنگام جنگ و افتخار کردن به تبار ایرانی و ایرانی بودن.

دین‌گرایی: دین‌گرایی در ایران در گرایش به دین اسلام خلاصه می‌شود؛ زیرا اکثریت قریب به اتفاق ایرانی‌ها مسلمان‌اند؛ گرایش به دین به معنی میزان اعتقادات و احترام و اجرای مناسک دینی است. این متغیر منتج از سه سنجه بی‌زاری از هتک حرمت قرآن، برادری هم‌کیشان و میزان اجرای مناسک دینی بوده است.

جهان‌وطنی: به گرایشی گفته می‌شود که با اتکا بر مفهوم انسان و انسان‌گرایی و با نفی ارزش هرگونه تعلق قومی، هدف خود را آمیزش عمومی، فرهنگی و بیولوژیک اعلام کند تا بتواند تمام تقسیم‌بندی‌های جهانی را از میان بردارد؛ لذا کسانی که گرایش‌های جهان‌وطنی دارند نسبت به تیره، قومیت و زبان و فرهنگ خویش تعصب و تعلق خاطر بسیار ضعیف و شکننده‌ای دارند. برای عملیاتی کردن این مفهوم از سه سنجه استفاده شده که شامل: بی‌زاری از مرز، وطن‌انگاری هر جای دنیا و در اولویت بودن انسان‌گرایی هستند.

فضای مشارکت سیاسی - اداری: این مفهوم در واقع به معنی قوانین و ساختار یارگیری نظام اداری و سیاسی کشور است؛ به عبارت دیگر توانایی قوم‌ها و فرقه‌ها برای مشارکت در مدیریت کشور و نقش‌آفرینی چه در رأس قدرت و چه در بدنه حکومت، همچنین سازوکارهای هموارکننده برای ایجاد چنین سیستمی را فضای مشارکت سیاسی - اداری می‌نامند. نظریه‌های زیادی به این امر پرداخته‌اند که باز بودن فضای مشارکت سیاسی و اداری و تصور اقوام نسبت به این فضا در میزان همگرایی قومی آنها تأثیر می‌گذارد؛ برای اندازه‌گیری این مفهوم، سه سنجه برابری قانون برای همه، شایسته‌سالاری و دوری از قوم‌گرایی در ساختار اداری و مشارکت حداکثری همه اقوام در مدیریت کشور به کار برده شده است.

تأثیر نخبگان قومی: نخبگان قومی کسانی هستند که فعالیت سیاسی دارند و برای جلب نظر قوم خویش به طرح مسائل قومی و فرقه‌ای می‌پردازند. رفتار نخبگان سیاسی برای کسب قدرت و تأثیر آنها بر شهروندان می‌تواند از عوامل تأثیرگذار بر همگرایی قومی باشد. برای اندازه‌گیری متغیر تأثیر نخبگان قومی بر شهروندان از سنجه‌هایی مانند: آشنایی با افکار نخبگان، مثبت‌اندیش بودن نخبگان، شایسته بودن نخبگان برای مدیریت کشور، کارساز بودن دخالت آنها برای حل مشکلات و منفعت طلب بودن نخبگان (منفی)، استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

در آغاز این بخش گزارش توصیفی برخی از متغیرهای زمینه‌ای نمونه آماری و گزارش مختصری از نحوه پراکنش متغیرهای اساسی بررسی شده، عرضه شد. در ادامه یافته‌های استنباطی پژوهش بررسی می‌شود. چنان‌که قبلاً اشاره شد حجم نمونه آماری این پژوهش ۵۰۰ نفر بوده است که ۲۵۰ نفر آنان آذری زبان و ۲۵۰ نفر نیز کرد زبان بوده‌اند. از این تعداد ۶۴/۴ درصد مرد و ۳۵/۶ درصد باقیمانده زن بوده‌اند.

توزیع سنی پاسخگویان نیز به گونه‌ای بوده است که ۱۴/۹ درصد زیر ۲۰ سال، ۶۷/۸ درصد بین ۲۰ تا ۴۵ سال و ۱۷/۳ درصد بیشتر از ۴۵ سال سن داشته‌اند. بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نشان داد که از بین آنها ۷/۲۱ درصد، بی‌سواد بوده، ۱۳/۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۱/۴۴ درصد تحصیلات راهنمایی داشته و ۲۵/۴ درصد نیز اعلام کرده‌اند که تحصیلاتی در حد دبیرستان دارند و ۳۲/۳۶ درصد باقیمانده نیز تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند.

بررسی سابقه ازدواج برون‌گروهی (برون قومی) نمونه آماری نیز نشان می‌دهد که ۴۸/۴ درصد از پاسخگویان گفته‌اند هیچ موردی از دوستان و یا آشنایان را سراغ ندارند که ازدواج برون‌گروهی (بین قومی) کرده باشند و ۵۱/۶ درصد نیز اعلام کرده‌اند که از بین خویشان و

آشنایانشان کسانی هستند که با افراد قوم دیگری ازدواج کرده‌اند (اصطلاحاً ازدواج برون‌گروهی یا برون‌قومی داشته‌اند). آنچه در هر پژوهشی نقش اصلی را بازی می‌کند سنجش متغیرهای اصلی است و گزارش توصیفی مقادیر آنها می‌تواند اطلاعات زیادی به خواننده انتقال دهد؛ لذا در ادامه به گزارش توصیفی متغیرهای اساسی می‌پردازیم:

چنان‌که ذکر شد در این پژوهش میزان همگرایی اقوام به وسیله طیف بوگاردوس اندازه‌گیری شده که جدول ذیل آماره‌های آن را نشان می‌دهد:

جدول ۱. توزیع فراوانی افراد بررسی شده برحسب میزان همگرایی قومی

قومیت						شدت همگرایی بین اقوام
کل		آذری		کرد		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	همگرایی اقوام
۱۶/۲	۸۱	۷/۸	۳۹	۸/۴	۴۲	بدون همگرایی
۸/۴	۴۲	۵	۲۵	۳/۴	۱۷	خیلی ضعیف
۴/۲	۲۱	۲/۲	۱۱	۲	۱۰	ضعیف
۹/۴	۴۷	۴/۴	۲۵	۵	۲۲	متوسط
۱۶/۴	۸۲	۸	۴۰	۸/۴	۴۲	زیاد
۴۵/۴	۲۲۷	۲۲	۱۱۰	۲۳/۴	۱۱۷	خیلی زیاد
۱۰۰	۵۰۰	۵۰	۲۵۰	۵۰	۲۵۰	کل

این مقیاس در یک طیف ۶ طبقه‌ای و در سطح بدون همگرایی تا همگرایی خیلی قوی گروه‌بندی شده است. چنان‌که جدول توزیع فراوانی نشان می‌دهد ۱۶/۲ درصد افراد هیچ‌گونه همگرایی نسبت به قوم دیگر نداشته‌اند؛ به عبارت دیگر ۱۶/۲ درصد پاسخگویان حتی حاضر نیستند با قوم دیگر در یک کشور زندگی کنند. ۸/۴ درصد پاسخگویان از میزان همگرایی بسیار ضعیفی برخوردار بوده به عبارت دیگر آنها فقط حاضرند با قوم دیگر در یک کشور زندگی کنند در حالی که ۴/۲ درصد علاوه بر هم‌کشور بودن حاضرند با قوم دیگر در یک شهر زندگی کنند و میزان همگرایی‌شان در سطح ضعیفی بوده است. همچنین میزان ۹/۴ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که علاوه بر هم‌شهري بودن می‌توانند با افراد قوم دیگر همسایه نیز باشند؛ اما ۱۶/۴ درصد گفته‌اند می‌توانند با افراد قوم دیگر ارتباط خانوادگی نزدیک برقرار کنند. در نهایت بیش از ۴۵/۴ درصد افراد پاسخگو گفته‌اند حتی حاضرند خودشان یا یکی از اعضای خانواده‌شان با افراد

قوم دیگر ازدواج کنند که این معرف نهایت همگرایی قومی است و به این ترتیب این افراد از بالاترین سطح همگرایی قومی بهره‌مند بوده‌اند.

بر اساس مقیاس‌بندی صفر تا صد، در مجموع میانگین‌گرایش به همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی بسیار بالا بوده است (۰/۷۶/۲۳)؛ به طوری که بیش از نیمی از نمونه آماری، اعضای قوم دیگر را به صورت کامل پذیرفته و هیچ تفاوتی بین آنها و افراد قوم خودی قائل نمی‌شوند. با توجه به اینکه جامعه آماری این پژوهش، افراد هر دو قوم آذری و کرد بوده‌اند، مقایسه میانگین میزان همگرایی بین این دو قوم صورت گرفته است. میانگین‌گرایش به همگرایی کردها (۰/۷۷/۰۵) بیشتر از آذری‌ها (۰/۷۵/۸۷) بوده است؛ لذا این تفاوت میانگین از نظر آماری معنی‌دار نبوده و قابل تعمیم به جامعه آماری استان نیست ($p = 0/75$).

بررسی موردی نحوه پاسخگویی به گویه‌های مقیاس بوگاردوس این پژوهش، پژوهشگر را به یکی از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق سوق داد؛ به گونه‌ای که ۷ درصد کردها و ۴ درصد آذری‌های پاسخگو اعلام داشته‌اند که حاضرند خودشان یا یکی از اعضای خانواده‌شان با افراد قوم دیگر ازدواج کنند، همچنین حاضرند با آنها رابطه خانوادگی داشته و همسایه و همشهری آنها باشند. آنچه بسیار حائز اهمیت است این است که این افراد با وجود پذیرش کامل و عینی اعضای قوم دیگر حاضر نبودند با اعضای قوم دیگر در یک کشور زندگی کنند!

اگر با رویکرد روشی به این نتیجه توجه شود طبیعتاً نتیجه این خواهد بود که وسیله اندازه‌گیری استفاده شده روایی مناسبی نداشته؛ اما با توجه به اینکه مقیاس استفاده شده، استاندارد بوده و در ایران نیز به کار برده شده است، نسبت به بررسی وضعیت متغیرهای اساسی این دست از پاسخگویان اقدام شد که نتایج بسیار مهمی را آشکار کرد. این بررسی نشان داد که این افراد سطح تحصیلات بسیار پایینی داشته و عموماً میانسال و پیر هستند، همچنین در مقایسه با بقیه افراد بررسی شده، سرمایه فرهنگی کمتری نیز داشته‌اند.

نقطه ثقل این بررسی این است که این افراد در مقایسه با دیگر افراد نمونه آماری به میزان بیشتری از رسانه‌ها و تولیدات فرهنگی خارجی استفاده کرده و به این رسانه‌ها اعتماد دارند و همچنین میزان‌گرایش به ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها بسیار کم بوده، در حالی که بسیار بیشتر از افراد نمونه بررسی شده، از نخبگان سیاسی قومی تأثیر می‌پذیرند. نکته اصلی این یافته‌ها این است که افرادی که آگاهی کمتری دارند با وجود اینکه به صورت عینی و عملی افراد قوم دیگر را پذیرفته‌اند، به دلیل تأثیرپذیری زیادشان از نخبگان سیاسی قومی و نیز استفاده بسیار از رسانه‌های خارجی و اعتماد به تولیدات این قبیل رسانه‌ها، این انگاره به آنها القا می‌شود که باید‌گرایش خودمختارانه قومی داشته باشند، به همین دلیل میزان ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها نیز بسیار کم بوده است. در نتیجه این الگوی پاسخگویی به مقیاس بوگاردوس از سوی این قبیل

افراد متأثر از افکار القایی آن سوی مرزهاست که از جانب نخبگان سیاسی قومی بیرون از مرزها ارائه می‌شود.

یکی دیگر از مفاهیم اساسی بررسی شده در این پژوهش مفهوم احساس امنیت پایدار است. این مفهوم در سه بعد امنیت انسانی، امنیت جهانی و امنیت ملی عملیاتی شده است؛ جدول شماره ۲ آمارهای توصیفی این مفهوم را گزارش کرده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی افراد بررسی شده بر حسب میزان احساس امنیت پایدار و ابعاد آن

بعد امنیت جهانی		بعد امنیت انسانی		بعد امنیت ملی		امنیت پایدار		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵/۶	۲۸	۴/۴	۲۲	۱/۴	۷	۱	۵	خیلی کم
۲۳/۸	۱۱۹	۲۵/۶	۱۲۸	۷/۸	۳۹	۱۴/۲	۷۱	کم
۴۰/۸	۲۰۴	۳۷/۸	۱۸۹	۲۲	۱۱۰	۴۱/۲	۲۰۶	متوسط
۲۱/۶	۱۰۸	۲۴/۲	۱۲۱	۳۲/۴	۱۶۲	۳۳/۴	۱۶۷	زیاد
۸/۲	۴۱	۸	۴۰	۳۶/۴	۱۸۲	۱۰/۲	۵۱	خیلی زیاد
۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۵۰۰	کل
۵۷/۲۵		۵۵/۴۱		۸۶/۹۶		۶۶/۵۴		میانگین (بر اساس مقیاس ۰ تا ۱۰۰)

جدول ۲ توزیع فراوانی میزان احساس امنیت پایدار و ابعاد آن را نشان می‌دهد، طبق اطلاعات جدول بالا تنها ۱ درصد از افراد پاسخگو احساس می‌کنند امنیت پایدار در حد خیلی پایینی است و ۱۴/۲ درصد نیز می‌گویند امنیت پایدار در حد پایینی است، در حالی که ۴۱/۲ درصد آنها گفته‌اند احساس آنان در مورد امنیت پایدار در استان در حد متوسطی است. ۳۳/۴ درصد نیز امنیت پایدار را در سطح زیادی ارزیابی کرده و در نهایت ۱۰/۲ درصد اظهار داشته‌اند که میزان امنیت پایدار در حد بسیار زیادی است؛ اما چنان که ذکر شد احساس امنیت، سه بعد امنیت ملی، انسانی و جهانی دارد که طبق جدول بالا، میانگین امنیت ملی بیشتر از میانگین سایر ابعاد امنیت پایدار بوده است و در مرتبه بعد میانگین امنیت جهانی بیشتر از امنیت انسانی بوده است.

این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که با توجه به چارچوب نظری موجود، چه عواملی می‌تواند در تقویت همگرایی اقوام در استان آذربایجان غربی تأثیرگذار باشد؟ لذا

بخش دیگری از یافته‌های پژوهش مربوط به یافته‌های استنباطی است که به بررسی تجربی فرضیات ذکر شده می‌پردازد. با توجه به اهداف علی پژوهش، این بخش دو قسمت دارد: در قسمت اول به بررسی رابطه همگرایی اقوام و احساس امنیت پایدار و ابعاد آن پرداخته شده و در بخش بعدی به شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام، به وسیله آزمون فرضیات ذکر شده، از طریق تحلیل چند متغیری رگرسیون چندگانه پرداخته شده است. جدول ۴ نتایج بررسی تجربی رابطه بین همگرایی اقوام و امنیت پایدار و ابعاد آن را گزارش کرده است.

جدول ۴. رابطه بین همگرایی اقوام و احساس امنیت پایدار و ابعاد آن

متغیر مستقل	متغیر وابسته	احساس امنیت پایدار	بعد امنیت ملی	بعد امنیت جهانی	بعد امنیت انسانی
همگرایی اقوام	ضریب پیرسون	۰/۴۵۱**	۰/۳۴۵**	۰/۲۴۴**	۰/۲۹۴**
	سطح معنی‌داری (دو طرفه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	تعداد نمونه	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۵۰۰

**همبستگی در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ (دو طرفه)

چنان‌که جدول بالا نشان می‌دهد چون میزان P یا سطح معنی‌داری هر چهار رابطه کمتر از ۰/۰۰۱ است لذا این فرضیه که «بین همگرایی قومی و احساس امنیت پایدار رابطه معنی‌داری وجود دارد»، در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود و به همین خاطر می‌توان با احتمال خطای کمتر از ۰/۰۰۱ این رابطه را به کل جامعه آماری تعمیم داد. لذا در بین جامعه آماری استان آذربایجان غربی بین همگرایی اقوام و احساس امنیت پایدار رابطه معنی‌داری وجود دارد و جهت آن نیز مثبت است به این صورت که با افزایش همگرایی اقوام، به میزان امنیت پایدار افزوده شده و با کاهش آن از احساس امنیت پایدار کاسته می‌شود.

همچنین ضریب تعیین این رابطه ۰/۲۰۳ است به این معنی که ۲۰/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (امنیت پایدار) را متغیر مستقل (همگرایی اقوام) تبیین می‌کند. همچنین برای تعیین رابطه همگرایی اقوام با هر یک از ابعاد امنیت پایدار، سه فرضیه جزئی مطرح شده که در جدول ۳ به آزمون هر یک از آنها پرداخته شده است. در این فرضیه‌ها از آزمون همبستگی تفکیکی R پیرسون استفاده شده که رابطه خالص متغیرها را با هم سنجیده و مقدار ضریب تعیین خالص را نشان می‌دهد که در تفسیر این رابطه‌ها به آنها اشاره شده است. طبق نتایج

گزارش شده در جدول ۴ همگرایی اقوام بر هر سه بعد امنیت پایدار تأثیر معنی‌داری دارد و با توجه به نتایج به دست آمده، همه این تأثیرات به صورت مستقیم بوده و افزایش همگرایی اقوام به ترتیب اهمیت، باعث افزایش در میزان امنیت ملی (با ضریب تعیین ۰/۱۱۹)، امنیت انسانی (با ضریب تعیین ۰/۰۸۶) و امنیت جهانی (با ضریب تعیین ۰/۰۵۹) می‌شود.

برای شناسایی متغیرهای تأثیرگذار بر تقویت همگرایی اقوام و جلوگیری از اطاله کلام، از بررسی روابط همبستگی دو به دو متغیرهای مستقل با متغیر وابسته خودداری شده و با توجه به مدل نظری و چندعلتی بودن همگرایی اقوام در این بررسی، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه برای بررسی فرضیات اصلی پژوهش استفاده شده است.

تحلیل رگرسیون چندگانه

با استفاده از روش تحلیل رگرسیون علاوه بر آزمون فرضیات تحقیق به صورت همزمان، می‌توان به اثر خالص هر متغیر و سهم نسبی آن در پیش‌بینی متغیر وابسته (همگرایی اقوام) پی برد. استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه شرایط و ضوابطی دارد که در این بررسی بدانها توجه شده است: از جمله، اینکه تمام متغیرهای وارده به تحلیل رگرسیون در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند.

با توجه به اینکه بعضی از متغیرهای مؤثر بر همگرایی که در این پژوهش در مقیاس کیفی اندازه‌گیری شده‌اند، برای وارد کردن این متغیرها مقیاس آنها را به صورت تصنعی به مقیاس فاصله‌ای تبدیل کرده‌ایم. یکی از شروط انجام تحلیل رگرسیون برقرار شد. همچنین متغیرهای مستقل با هم هیچ‌گونه همپوشی نداشته و با متغیر وابسته رابطه خطی دارند.

مقدار دوربین واتسون نیز در حد قابل قبول (۱/۸۷) است که نشان می‌دهد توزیع فراوانی متغیرها نرمال بوده و توزیع باقیمانده‌ها نیز نرمال بوده است. به شرایط نیز تا حد امکان توجه شده است. جدول ۵ نتایج رگرسیون همگرایی اقوام را بر اساس متغیرهای مستقل تحقیق در میان کل پاسخگویان نشان می‌دهد.

در نهایت سعی شده، بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، معادله‌ای برای پیش‌بینی متغیر همگرایی اقوام تدوین و با استفاده از تحلیل مسیر مدل علی و ضرایب مسیر آن، طراحی و گزارش شود. روش به کارگرفته شده در اینجا متد ورود همزمان (Enter) متغیرهای مستقل به مدل است.

جدول ۵. نتایج رگرسیون همگرایی اقوام بر متغیرهای مستقل به روش Enter

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد رگرسیون (beta)	t	سطح معنی داری
مقدار ثابت		۳/۳۷۴	۰/۰۰۰
تأثیر نخبگان سیاسی	-۰/۱۳۹	۵/۳۰۵	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	۰/۱۱۷	۳/۲۹۸	۰/۰۰۰
دین‌گرایی	۰/۰۹۷	۳/۴۲۱۴	۰/۰۰۰
تحصیلات	۰/۰۹۴	۳/۲۵۴	۰/۰۰۰
ملی‌گرایی (ایرانی بودن)	۰/۰۸۱	۳/۰۰۱	۰/۰۰۱
بازبودن فضای سیاسی-اداری	۰/۰۷۴	۲/۳۲۱	۰/۰۰۴
اعتماد به بسته‌های فرهنگی بیگانه	-۰/۰۷۸	۲/۴۳۲	۰/۰۱۱
سابقه ازدواج نزدیکان با قوم دیگر	۰/۰۷۱	۱/۴۶۲	۰/۰۲۱
استفاده از بسته‌های فرهنگی بیگانه	-۰/۰۴۲	۱/۴۶	۰/۰۳۱
سن شهروندان	-۰/۰۳۴	-۲/۲۰۴	۰/۰۴۸
جنسیت	۰/۰۰۸	۰/۳۱۰-	۰/۶۴۹
محروریت نسبی	۰/۰۱۲	۰/۵۹۴	۰/۵۴۴
گرایش به ایده جهان‌وطنی	۰/۰۰۷	۰/۲۳۸	۰/۸۴۵
نتایج تحلیل واریانس (ANOVA)	F	۱۲/۴۱۰	
	معنی داری	۰/۰۰۰	
ضریب تعیین (میزان بتا)		۰/۸۲۷	
ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted میزان بتا)		۰/۸۰۵	

این جدول نشان می‌دهد که تحلیل رگرسیون چندگانه تا چه حد از لحاظ آماری معنی‌دار بوده است. در تحلیل‌های رگرسیونی برای برآورد میزان معنی‌داری از آماره f در تحلیل واریانس یک طرفه استفاده می‌شود. در این تحلیل مقدار آن ۱۲/۴۱ بوده و چون میزان P برابر است با ۰/۰۰۰ است؛ لذا این تحلیل در سطح اطمینان ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و بسیاری

از متغیرهای مستقل در نوسانات متغیر همگرایی اقوام تأثیر دارند که مقادیر خالص این تأثیرات نیز به صورت استاندارد، گزارش شده است.

همچنین مقدار ضریب تعیین این تحلیل رگرسیون چندگانه در این بررسی ۰/۸۲۷ است و ضریب تعیین تعدیل شده به وسیلهٔ درجهٔ آزادی برابر است با ۰/۸۰۵ به عبارت دیگر متغیرهای مستقل بررسی شده در این طرح در کل ۸۲/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند یعنی از کل فاکتورهای ایجاد و نوسان همگرایی اقوام ۸۲/۷ درصد تغییراتش ناشی از وجود و تغییرات متغیرهایی است که در این پژوهش بررسی و شناسایی شده است.

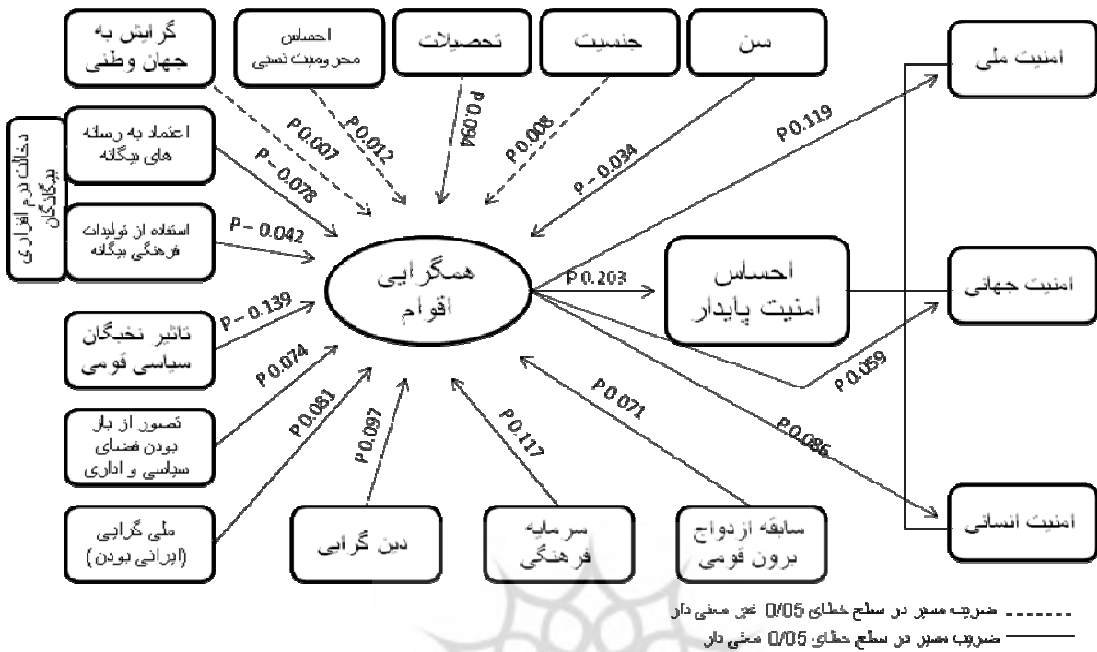
برای ایجاد امکان مقایسه و همچنین استفاده از این جدول برای طراحی مدل علی و تحلیل مسیر، مقدارهای BETA ذکر شده است که در واقع همان مقدار B است که به صورت استاندارد درآمده و قابلیت مقایسه پیدا کرده است. لذا در این آماره، مقیاس همهٔ متغیرهای مستقل برابر است و از واحد اندازه‌گیری مشترکی برخوردار شده‌اند. با استفاده از این جدول و حذف متغیرهایی که تأثیرشان بر همگرایی اقوام معنی‌دار نبوده است، به تدوین یک معادلهٔ خطی برای پیش‌بینی متغیر «میزان گرایش به همگرایی اقوام» پرداخته شده که به صورت استاندارد ذکر شده است:

معادله استاندارد پیش‌بینی متغیر وابسته (همگرایی اقوام) به وسیلهٔ متغیرهای بررسی شده:

سن ۰/۰۳۴ - تحصیلات ۰/۰۹۴ + سابقه ازدواج برون قومی ۰/۰۷۱ + استفاده از بسته فرهنگی بیگانه ۰/۰۴۲ - اعتماد به بسته‌های فرهنگی بیگانه ۰/۰۷۸ - سرمایه فرهنگی ۰/۱۱۷ + ملی‌گرایی (ایرانی بودن) ۰/۰۸۱ + دین‌گرایی ۰/۹۷۱ + بازبودن فضای سیاسی - اداری ۰/۰۷۴ + تأثیر نخبگان سیاسی ۰/۱۳۹ = - همگرایی اقوام.

مدل علی و تحلیل مسیر

در این بخش سعی شده دیاگرامی از روابط علی و میزان تأثیر متغیرها و شکل و جهت رابطه‌ها ترسیم و به یک تحلیل ترسیمی منتج شود؛ برای این مهم تذکر چند نکته ضروری است: اول اینکه در این نمودار ترسیمی مقدارهای P همان ضرایب مسیر هستند که با استفاده از تحلیل رگرسیونی و ضرایب بتا به دست آمده و در واقع تأثیرات مستقیم متغیرهای بیرونی و مستقل را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد و تفسیر آن این‌گونه است که مقدار P، میزان تغییرات متغیر وابسته است که توسط متغیر مستقل مرتبط تبیین می‌شود. نکتهٔ دیگر این است که این مقدارهای E در واقع مقدارهایی هستند که بر متغیر وابسته تأثیر دارند ولی در این تحلیل بررسی نشده‌اند که اصطلاحاً به آن مقدارهای باقیمانده و یا خطا می‌گویند.



نمودار ۲. تحلیل مسیر و مدل علی نهایی پژوهش

نتیجه گیری

بررسی مطالعات و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که پدیده امنیت پایدار متأثر از فاکتورها و عوامل متعددی است، به صورتی که نوع تعامل و همزیستی اقوام مختلف موجود در یک واحد سیاسی - جغرافیایی تنها قسمتی از عوامل ایجاد احساس امنیت پایدار به شمار می‌رود.

با توجه به پیشینه‌های نظری موجود، فاکتورهای دیگری از جمله سیاست خارجی، شیوه‌های حکومت‌داری، توسعه اقتصادی و بسیاری از عوامل دیگر بر ایجاد و تقویت پدیده امنیت پایدار تأثیرگذار هستند؛ اما با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی شمال غرب کشور و تنوع قومی این مکان و همچنین سابقه تاریخی پر فراز و نشیب روابط قومی در آن و تبدیل شدن پدیده تنوع قومی به عامل اصلی تهدید امنیت در دوره‌های تاریخی مختلف، پرسشی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی درخور آن بود، بررسی تأثیر همگرایی اقوام کرد و آذری بر احساس امنیت پایدار و به دنبال آن شناسایی عوامل مؤثر بر همگرایی اقوام و تقویت آن بوده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که متغیر همگرایی اقوام بیش از ۲۰/۳ درصد از تغییرات متغیر احساس امنیت پایدار را تبیین می‌کند. همچنین بررسی رابطه همگرایی اقوام با ابعاد امنیت پایدار نیز نشان داده است که همگرایی قومی بیشترین تأثیر را بر بعد امنیت ملی می‌گذارد. به این ترتیب که ۱۱/۹ درصد از تغییرات امنیت ملی را تبیین می‌کند. در مرحله بعدی

همگرایی قومی بر بعد امنیت انسانی و امنیت جهانی تأثیر می‌گذارد که به ترتیب میزان تأثیر آن ۸/۶ درصد و ۵/۹ درصد است.

در این پژوهش برای اندازه‌گیری میزان همگرایی اقوام از طیف بوگاردوس یا فاصله اجتماعی استفاده شده و بررسی الگوی پاسخگویی با این طیف در بین پاسخگویان نشان داده است که با وجود الگوی پاسخدهی مورد انتظار، ۷ درصد کردها و ۴ درصد آذری‌های پاسخگو اعلام داشته‌اند که حاضرند خودشان یا یکی از اعضای خانواده‌شان با افراد قوم دیگر ازدواج کنند. همچنین حاضرند با آنها رابطه خانوادگی داشته و همسایه و همشهری آنها باشند. آنچه بسیار حائز اهمیت است این است که این افراد با وجود پذیرش کامل و عینی اعضای قوم دیگر حاضر نبودند با اعضای قوم دیگر در یک کشور واحد زندگی کنند.

اگر با رویکرد روشی به این نتیجه توجه شود طبیعتاً به این نتیجه رهنمون خواهیم شد که وسیله اندازه‌گیری استفاده شده روایی مناسبی نداشته؛ اما با توجه به اینکه مقیاس استفاده شده استاندارد بوده و در ایران نیز به کار برده شده، نسبت به بررسی وضعیت متغیرهای اساسی این قبیل پاسخگویان اقدام شد. این بررسی نشان داد که این افراد سطح تحصیلات بسیار پایینی داشته و عموماً میانسال و پیر هستند، همچنین در مقایسه با بقیه افراد بررسی شده، سرمایه فرهنگی کمتری دارند.

نقطه ثقل این بررسی آن است که این افراد در مقایسه با دیگر افراد نمونه آماری، به میزان بیشتری از رسانه‌ها و تولیدات فرهنگی خارجی استفاده کرده و به این رسانه‌ها اعتماد بیشتری دارند و میزان گرایش به ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها بسیار کم بوده است. این در حالی است که این افراد بسیار بیشتر از افراد نمونه بررسی شده، از نخبگان سیاسی قومی تأثیر می‌پذیرند. شاه‌بیت این غزل این است که افرادی که آگاهی کمتری دارند با وجود آنکه به صورت عینی و عملی افراد قوم دیگر را پذیرفته‌اند (یعنی پذیرش و گرایش به همگرایی قومی در دنیای واقعی)، اما به دلیل تأثیر پذیری بالایشان از نخبگان سیاسی قومی و استفاده زیاد از رسانه‌های خارجی و اعتماد به تولیدات این رسانه‌ها، این انگاره به آنها القا می‌شود که باید گرایش خودمختارانه قومی داشته باشند. به همین دلیل میزان ملی‌گرایی (ایرانی بودن) آنها نیز بسیار کم است. در نتیجه، این الگوی پاسخگویی به مقیاس بوگاردوس از سوی این دست افراد متأثر از افکار القایی آن سوی مرزها از جانب نخبگان سیاسی قومی بیرون از مرزهاست و این نتیجه مهم‌ترین نتیجه‌ای است که از این پژوهش به دست آمده و بررسی بیشتر آن درخور پژوهش جامعی است.

بخش دیگر از یافته‌های این تحقیق متوجه شناسایی عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی اقوام بوده است. از آنجا که تئوری‌های استفاده شده در این پژوهش عمدتاً دچار تقلیل‌گرایی شناختی شده‌اند، در مدل نظری پیشنهادی، عوامل تأثیرگذار زیادی بر تقویت همگرایی اقوام دخالت داده

شده‌اند. یافته‌های آزمون تجربی این فرضیات حاکی از آن است که متغیرهای زمینه‌ای سن و تحصیلات رابطه معنی‌داری با همگرایی اقوام داشته‌اند؛ به این ترتیب که با افزایش سن، میزان همگرایی قومی نیز کاهش یافته و با افزایش سطح تحصیلات بر میزان همگرایی قومی افزوده شده است؛ ولی متغیرهای دیگری از جمله جنسیت، میزان درآمد خانوار و نوع شغل پدر، تأثیر معنی‌داری بر گرایش به همگرایی اقوام نداشته‌اند.

از عوامل اصلی مؤثر بر گرایش به همگرایی اقوام، بیشترین تأثیر را متغیر تأثیر نخبگان سیاسی داشته است. بر این اساس کسانی که تأثیر کمتری از نخبگان سیاسی قومی می‌گیرند میزان همگرایی قومی‌شان بسیار زیاد بوده است.

از عوامل دیگری که به عنوان فاکتورهای تضعیف‌کننده همگرایی اقوام در شمال غرب کشور (کرد و آذری) در این پژوهش شناسایی شده، استفاده و اعتماد به رسانه‌های خارجی و بسته‌های فرهنگی آنهاست که تحت عنوان «دخالتم‌نرم» گزارش شده است.

در کنار این، عوامل تقویت‌کننده شناسایی شده که بر میزان همگرایی اقوام تأثیر معنی‌داری می‌گذارند به ترتیب میزان اثرگذاری عبارت‌اند از: سرمایه فرهنگی یا سرمایه شناختی (آگاهی)، دین‌گرایی و تعهد دینی، ملی‌گرایی (ایرانی بودن) و احساس باز بودن فضای سیاسی-اداری. همچنین کسانی که اعلام داشته‌اند که در بین خویشان و نزدیکان سابقه ازدواج برون‌گروهی (برون قومی) داشته‌اند بیشتر از دیگران به قوم دیگرگرایش نشان داده‌اند، در همین حال تأثیر متغیرهای احساس محرومیت نسبی و گرایش به جهان‌وطنی بر همگرایی اقوام معنی‌دار نبوده است.

در مجموع می‌توان گفت تشویق سیاست‌های افزایش ارتباطات بین فرهنگی و کاهش تأثیرات رسانه‌های معاند فرامرزی با تقویت وسایل ارتباط جمعی داخلی می‌تواند تا حدود زیادی از تأثیرات نخبگان قومی افراطی و «شونیست» بکاهد و فضای بهتری برای افزایش همگرایی و کاهش واگرایی بین قومی در بین دو قوم کرد و آذری در استان آذربایجان غربی ایجاد نماید. همچنین با تغییرات دموگرافیک و به ویژه سنی جمعیت، می‌توان به کاهش اثرگذاری رهبران فکری و نخبگان قومی امیدوار بود، امری که در درازمدت می‌تواند یکی از موانع بر سر راه همگرایی اقوام را در کشور مرتفع سازد.

پی‌نوشت

۱. اشاره به آیه یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (سوره حجرات، ۱۳).
۲. اشاره به آیه وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَالِدَاتُ إِذَا حَمَلْنَ بِحِمْلِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ. (سوره روم، ۲۲).
۳. اشاره به آیه لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً. (سوره مائده، ۴۸).

منابع

قرآن کریم.

آک، شورش (۱۳۸۸) «بررسی رابطه برنامه‌های صدا و سیما با همگرایی قومی: مطالعه موردی استان آذربایجان غربی»، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

احمدی، حمید (۱۳۸۸) «اقوام ایرانی و امنیت پایدار»، در: فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

احمدی، حمید (۱۳۸۳) قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران، نی.

ارونسون، الیوت (۱۳۷۰) روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران، رشد.

اسلامی، علیرضا (۱۳۸۵) قومیت و ابعاد آن، پژوهشکده باقر العلوم، در: مجله علوم سیاسی، شماره ۳۴، پژوهشکده باقر العلوم.

افضلی، رسول و برزین ضرامی (۱۳۸۸) «تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران»، در: پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، زمستان.

امراه‌زاده، محمد (۱۳۸۸) «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های برون‌مرزی قومی بر امنیت و ثبات سیاسی مناطق مرزی ایران»، در: فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷) «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی»، در: فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول، بهار.

برتون، رولان (۱۳۸۰) قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نی.

بیات، بهرام (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران، امیرکبیر.

پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸) «امنیت پایدار و سیاست‌گذاری قومی در ایران»: فرایندها، مؤلفه‌ها، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

ترابی، یوسف (۱۳۸۹) «درآمدی بر مدیریت سیاسی اقوام»، طرح پژوهشی، در: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد مسلسل ۱۰۲۷۲، بهار.

جلیلود، داود (۱۳۸۸) «بررسی علل و زمینه‌های بروز بحران‌های قومی در استان آذربایجان غربی و تأثیر آن بر امنیت»، در: فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

خادمی، علی و همکاران (۱۳۸۸) «بررسی میزان و رابطه امنیت اجتماعی و همگرایی قومیت‌های آذری و کرد در شهر ارومیه»، فرماندهی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

رابرتسون، یان (۱۳۷۲) درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، تهران، آستان قدس رضوی.

راجرز، پل (۱۳۸۴) زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن ۲۱، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و دیگران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

رضایی، محمدعلی (۱۳۸۱) ساخت و اعتباریابی آزمون احساس ایمنی، نایمنی و رابطه آن با استعداد اعتیاد در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۰) کندوکاوها و پنداشتها، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
روی، پل (۱۳۸۲) «معمای امنیت اجتماعی»، ترجمه منیژه نویدنیا، در: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۳، پاییز.

زینال‌نژاد، حسن (۱۳۸۸) «بررسی راه‌های همگرایی قومیتی: (با تأکید بر اقوام کرد و ترک در شهرستان ماکو)»، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی، (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

صالحی، سیدرضا (۱۳۸۶) «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی و الزامات مدیریت تنوع (تئوری‌های قومی): تنوع فرهنگی و همبستگی ملی»، پژوهشگاه تحقیقات استراتژیک شماره ۸، بهار.

عباس‌زاده، هادی و کامران کرمی (۱۳۹۰) «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، در: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۱، بهار.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵) «عدالت و امنیت»، در: فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۳، بهار.
علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳) فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، چاپ سوم، وزارت امور خارجه.
فرهنگ نام‌آوران معاصر ایران (۱۳۷۷) مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، جلد دوم.

قهرمانی، علی و حیدر هاشمی و محمود علی‌لو (۱۳۸۸) «بررسی تأثیر همگرایی ملی در امنیت پایدار با تأکید بر استان آذربایجان غربی»، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی (دفتر تحقیقات کاربردی)، مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی قومیت، همگرایی ملی و امنیت پایدار، ارومیه.

گر، تد. رابرت (۱۳۷۷) موقعیت اقلیت‌های در خطر (ناابرابری و تبعیض) ترجمه جلیل کریمی، تهران، در: فصلنامه رانه، شماره سوم.

گرنفل، مایکل (۱۳۸۹) مفاهیم کلیدی بوردیو، ترجمه محمد مهدی لبیبی، تهران، افکار.
مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹) «فرهنگ ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)»، در: فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۱۷۱، صفحه ۶-۱۹۶.

نصیری، حسین (۱۳۸۴) «امنیت ملی پایدار»، در: ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور، شماره ۲۱۵.

ودادهیر، بوعلی (۱۳۸۶) «جزوه درسی تکنیک‌های خاص تحقیق»، پلی کپی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز.

Geertz, Clifford (1963) *Old Societies & New States: The Quest For Modernity*, New York, FreePress.

Smith, Anthony D. (1986) *the ethnic origins of nations*, oxford, Blackwell.

Berghe, van den PL (1978) race and racism, A comparative perspective, New York, johnwiley.

Chandler, D. (2007) The security–development nexus and the rise of anti- foreign policy, Journal of International Relations and Development.

